

امید نعمتی می گوید: عمیق شدن، غنی تر شدن و حذف پول به عنوان هدف از ویژگی های اصلی آثار خلق شده در کرونا بود.

جمع خوانی

گوشی اش بنشیند و به صورت آنلاین برای همه کنسرت اجرا کند یا قطعه ای بنواز دو... اما می توانیم بگوییم دستاوردمادر موسیقی آن هم در دوران محدودیت مشخصا چه بوده و چه کرده ایم؟

با گذر زمان پاسخ بهتری می توان داد. زمان که بگذرد متوجه می شویم چه دستاوردهایی داشته و دارد اما بزرگ ترین دستاوردی که برای آن متصور هستیم، عمق بیشتر است. چه برای سازندگان و چه برای شنوندگان. گاهی زندگی آن قدر سریع می گذرد که آدم ها نمی توانند به درون خودشان بپردازند. هرچه هنر درونی تر باشد نتیجه مطلوب تری دارد. هنرمند نیاز به تنهایی دارد و این دقیقاً چیزی است که کرونا برای ما مهیا کرده.

اگر فرض را بر این بگذاریم که تجربه ها و ایده هایی که در چند ماهه اخیر در حوزه موسیقی اجرایی شد آثار دوران محدودیت هستند؛ این آثار چه ویژگی هایی دارند؟

عمیق شدن، غنی تر شدن و حذف پول به عنوان هدف، از ویژگی های اصلی آثار خلق شده در کرونا بود.

برای شما که خیلی اهل سفر کردن هستید، این دوران بدون مسافرت چطور گذشت و چه حالی داشتید؟ توانستید چیزی جایگزین آن کنید؟

واقعیت این است که هیچ چیز برای من نمی تواند جایگزین سفر شود. جالب است بگویم همیشه به جاهای مختلفی سفر می کردم اما این اوقات باعث شد به درون خودمان سفر کنیم. شخصا بشدت نقش هنر در زندگی زمان کرونا را مؤثر می دانم؛ این موضوع کاملاً واقعی ست و ربطی به شعار و اینها ندارد. وقتی می گویم موسیقی، کتاب، فیلم و سریال تا حد زیادی به ما کمک کرد و هر فیلم و سریالی که دیدم یا کتابی که خواندم برای من مثل یک سفر بود و تجربه ناب و ویژه که باید بیشتر قدرش را بدانیم... هنر را...

در دوران کرونا برای چه چیزی بیشتر دلتنگ شدید؟

برای سفرهای درون شهری. همیشه عاشق این بودم که به بازارهای مختلف و رستوران های متفاوت بروم و طعم غذای جدید را بچشم که در این دوران مقدور نبود و نمی شد عادت همیشگی را اجرایی کرد. حالا که فکر می کنم می بینم چقدر برای خیلی چیزهای حتی ساده دلم تنگ است. اصلاً همین موضوع که خیلی وقت است به بازارهای رشت یا شیراز سر نزده ام، غمگین ام می کند.

فرض کنید صبح از خواب بلند می شوید و می بینید که کرونا از میان ما رفته، اولین کاری که می کنید چیست؟

هدفونم را می گذارم توی گوشم و می روم خیابان انقلاب و چهارراه ولیعصر پیاده روی می کنم. دلم برای ساندویچ های قدیمی و کوچک هم تنگ شده. به نظر من کرونا تجربه جالبی بود اما واقعاً کافی ست و امیدوارم هرچه زودتر جهان از لو ت وجود این بیماری پاک شود. ■

یا استعداد اگر درون هر هنرمندی باشد می تواند اثر ارزشمندی را خلق کند، عاری از این که امکانات پیشرفته ای برای او مهیا باشد. محدودیت بستری است برای این که ذهن ت را تغذیه کنی و تبدیل به خوراک ذهن ت شود. آثار بسیاری در زمان جنگ یا در کشورهای فقیر و در محدودیت خلق شده اند.

به جز کارهایی که خودتان انجام دادید چه خلاقیت هایی را در حوزه موسیقی دیدید که برایتان جالب بود و آن را تحسین کردید؟

اتفاق جالبی که در این دوران افتاد و من بسیار از رخ دادن آن خرسندم، این بود که آدم هایی که در حوزه موسیقی، صرفاً به دنبال پول بودند، در حال حاضر فعالیت شان به صفر رسیده چون در شرایط کرونا پول در هیچ چیز نیست. هنرمندانی هم چنان کار تولید می کنند که به دنبال درونمایه اصلی موسیقی بودند. بسیاری از افراد را می بینم که ویدئو، آهنگ و خلاقیت های زیبایی را در فضای رسانه تولید می کنند که به نظر من خیلی جذاب است.

چطور می شود درباره خلاقیت در عرصه موسیقی، آن هم در دوره ای که تمامی اجتماعات و کنسرت ها و... تعطیل هستند ابراز نظر کرد؟ خلاقیت به تنهایی ارزشمند است؟

بدون شک بله. خصوصاً در فضای موسیقی پاپ سال های اخیر، آدم ها به این فکر هستند که چطور می شود از این بازار پول در بیاورند. مانند این که بخواهند یک محصولی را تولید کنند که مردم از جنس، رنگ و بوی آن خوش شان بیاید. برای همین خواننده هایی را مشاهده می کنیم که عرصه هنر موسیقی را به تجارت تبدیل کرده اند. من منکر این که از موسیقی در آمد هم داشته باشیم نمی شوم اما نباید هدف اصلی پول باشد. پاپ استارهای بسیار خوبی در سراسر جهان داریم که از فضای تجاری سوء استفاده نکرده اند اما طبیعتاً از این حوزه در آمد هم داشته اند. هرچند که مردم هم به دلیل مشکلات معیشتی فرصت ارتقای سلیقه خود را ندارند و به دنبال ساده ترین چیزها هستند؛ در نتیجه این افراد بی آرایش ترین کارها را ساخته و عرضه می کنند که البته ماندگار هم نیستند.

بعد از این دوران، خلاقیت هایی که از دل محدودیت های بیرون آمده اند به موسیقی و دیگر هنرهای ما و اهالی اش کمک می خواهند کرد یا صرفاً نقش التیام بخشیدن دارند و با گذر از این دوره، آنها هم تب شان فروکش می کند و از یاد می روند؟

هم هنرمند فرصت بیشتری برای پردازش به خودش را پیدا کرد و هم از طرفی مردم محالی داشتند که بیشتر گوش کنند و بیشتر ببینند؛ برای همین فکر می کنم تأثیر عمیق و ماندگاری خواهد داشت.

در حوزه موسیقی یک نوازنده و آهنگساز می تواند جلوی دوربین

امید نعمتی
در گفت و گو با ایران جمعه
از ما حاصل روزهای
محدودیت می گوید

عمیق تر
دقیق تر
وجدی تر
شدیم

نگار: محمد مهین/ مهر

نمایشنامه خوانی نمایشنامه ای از شکسپیر را به صورت مجازی می بینیم که هزاران نفر در آن شرکت می کنند و با خواندن یک خط از نمایشنامه در جمعی مجازی حال خوشی پیدا می کنند، نوازنده ای حرفه ای را دیده ایم که در بالکن خانه اش برای همسایه ها اجرایی چند نفره داشته و فیلم این اجرا در فضای مجازی دست به دست به ما رسیده است و حالمان را بهتر کرده، در چالش های زیادی شرکت کرده ایم که به هنر خودمان یا کارگاهی که در آن شرکت کرده ایم ربط داشته، چالش شعرخوانی در قرنطینه، چالش داستان خوانی در قرنطینه، جمع خوانی یک کتاب و جلسه نقد و بررسی آن در فضای مجازی، شب شعرهای مجازی و... نمونه های زیادی از این دست چالش ها دیده ایم و نمونه هایی از آنها با ما خواهد ماند چون با این توفیق اجباری جزئی از زندگی ما خواهند بود. هرچند که گاهی از سرعت اینترنت آموزش آنلاین گریان شده ایم، اما داد زدن معلمی که آرزو می کند فضای مجازی آنقدر پیشرفت کند که بتواند از راه دور توی سر شاگردانش بزند، یا عکس معلمانی با بالا تنه رسمی کت و کراوات و پایین تنه ای در حد پیژامه نشسته روبه روی مانیتور در حال تدریس یا گذرگاه غیر رسمی افراد خانواده از روبه روی دوربین کلاس آنلاین خنده ای به لبان ما نشانده است. ■

و کارگاه های هنری می داد برای همه افرادی که در قرنطینه به سر می برند برنامه ریزی کنند و طیف مخاطبان وسیع تری را نسبت به قبل داشته باشند. به همین دلایل ساده که هنر باعث تقویت اعتماد به نفس و کاهش استرس و اضطراب و ایجاد سلامت روان از یک طرف و ایجاد اشتغال و گردش مالی از طرف دیگر می شد می توانست هم به سلامت روان جامعه در این و آن فضا کمک شایانی بکند و هم مؤسسات هنری و کارگاه هایی را که پشتوانه ای نداشتند سرپا نگه دارد.

از جمله اینکه فضای مجازی این امکان را به هنرجویان مستعد دور از مرکز می داد که از طریق این فضا در کارگاه استادانی که این سال ها به دلیل بعد مسافت امکان حضور در آنجا را نداشتند شرکت کنند. یا این امکان را به ما می داد که ارتباط عمیق تری با جامعه هنری خارج از کشور داشته باشیم. یا این امکان را به استادان خارج از کشوری که حالا با قرنطینه و هزینه های سرسام آورش دست به گریبان بودند داد که هنرجویانی برای برگزاری کلاس هایشان از اقصی نقاط جهان جذب کنند.

علی ایحال این روزها در عالم هنر زیاد می شنویم که موزه ای آثار بزرگانی چون رامبراند، سزان و صدها تن از مشاهیر هنر جهان را به صورت مجازی و مجانی نمایش می دهند، فراخوان

امکانات لازم چه در بحث طراحی و چه اجرا، سیستم آکادمیک و رسمی را به دلیل گسترده بودن و کثرت خط قرمزها با چالش های جدی روبه رو کرده بود و بیشترین آسیب را از این حادثه مناطق دور از دسترس و محروم می دیدند، جریان غیررسمی و شعر و ادبیات و کلا هنر شروع به بازیابی خود در این بستر جدید که از قبل هم با آن بیگانه نبود، کرد. مؤسسات و کارگاه های خصوصی به دلیل عدم وابستگی به بودجه عمومی و جلوگیری از ورشکستگی باید سریع دست به کار می شدند و به همین دلیل با استفاده از نرم افزارهای موجود که فیلتر نبودند از جمله واتس اپ، اسکایپ و اینستاگرام کار خود را زودتر شروع کردند و در این بازی جدید دست به خلاقیت هایی زدند که نیاز به گردش کار و تأیید در چرخه نظام اداری نداشت، هر چند که این روش خالی از عیب نبود اما روش آزمون و خطا بهتر از نشستن و کار نکردن بود، کما اینکه کارگاه های شعر و ادبیات نیاز چندانی بجز به یک خط اینترنت و هنرجویان مشتاق را نداشت.

شرایط ویژه قرنطینه در دوران کرونا علاوه بر اینکه باعث عدم تحرک جسمی و انزوای اجتماعی می شد و کم کم بیماری های روانی را از جمله افسردگی و اضطراب و... گسترده تر می کرد از طرفی این امکان را به مؤسسات

۳